



Woman in Development and Politics

Analyzing the Barriers to Women's Economic Participation in Yazd Province (A Qualitative Study)

Negin Fallah Haghighi^{1✉} | Zeinab Sharifi² | Hamin Ahmadi³

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Technology Development Studies (DTDS), Iranian Research Organization for Science and Technology (IROST), Tehran, Iran. E-mail: nfallah@irost.ir
2. Ph.D. Holder, Department of Rural Development Management, Faculty of Agriculture, Yasouj University, Yasouj, Iran. E-mail: zeinabsharifi@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Political Science and Law, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: ahmadi.ham@lu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 3 August 2023

Received in revised form: 2

October 2023

Accepted: 22 October 2023

Published online: 20 March
2024

Keywords:

Female Unemployment Rate,
Paradigm Model,
Qualitative Research,
Yazd Province.

ABSTRACT

Nowadays, economic development is unattainable without the participation of women in the workforce. Nevertheless, women encounter challenges and obstacles in their pursuit of economic participation. The Statistical Center of Iran reports that 13.3% of Iranian women are employed in the economy. In contrast, women comprise nearly 50% of the economically active population in a number of developed nations. In addition, the most recent statistics indicate that Yazd province has the second highest female unemployment rate. Hence, the objective of this study was to examine the obstacles that impede the economic involvement of women in the province of Yazd. In this investigation, qualitative research methods were implemented. The investigation focused on a specific demographic comprising Yazd province students and graduates, human resources managers, business elites and entrepreneurs, employers, specialists, and human resources experts, in addition to senior and executive managers. Sampling was conducted intentionally and continued until theoretical saturation was reached. Instruments for data collection included interviews, observations, data recordings, and audio and video recordings. The interviewee was queried regarding the obstacles that impede the economic participation of women in the province of Yazd. To ensure the accuracy and dependability of the data, the researcher collected information through a variety of means, including document reviews, interviews, video and photo recordings, and audio recordings. Coding was utilized in the data analysis process. The results showed that in the first step, 19 main concepts were extracted in open coding including "ignoring the women's abilities," "limiting women's economic participation," "limiting women to housework and childbearing duties," "the existence of wrong culture regarding the women's employment," "the existence of negative attitude towards women's employment," "traditional and reductionist attitude towards women," "the existence of a traditional view of women's employment," "gender attitudes in employment," "successful global experience of women's economic activity," "women's employment only for the purpose of exploiting," "lack of equal gender opportunities for employment," "ignoring women's rights in economic fields," "the low level of women's employment in managerial and administrative fields," "the low level of women's economic participation," "women's conditional employment," "modernity in child rearing," "attitudinal changes caused by being in society," "conflict between social and family roles," "failure to develop self-confidence and independence in women." During the second phase, axial coding was performed on a set of nineteen concepts (open coding). From this set, three subcategories were identified: "the attitude towards the role of women in the business environment," "the exploitation of women's labor force," "the individual, family, and cultural effects of women's employment." The discourse concluded with a depiction of the paradigm model, which comprised causal conditions, contextual conditions, consequences, intervening conditions, and strategies. It was suggested, based on the findings, that mass media should be utilized to promote and foster a favorable perception of women's economic enrollment and employment. Additionally, it is recommended that lawmakers amend laws to eradicate gender discrimination in compensation and benefits to the greatest extent feasible.

Cite this article: Fallah Haghighi, N., Sharifi, Z., Ahmadi, H. (2024). Analyzing the Barriers to Women's Economic Participation in Yazd Province (A Qualitative Study). *Women in Development and Politics*, 22(1), 39-65. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.363270.1008365>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.363270.1008365>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

واکوی موانع مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد (یک مطالعه کیفی)

نگین فلاح حقیقی^۱ | زینب شریفی^۲ | حامین احمدی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه مطالعات تکنولوژی، پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، تهران، ایران. رایانامه:

nfallah@irost.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. رایانامه: zeinabsharifi@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: ahmadi.ham@lu.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|--|--|
| نوع مقاله: مقاله پژوهشی | در حال حاضر توسعه اقتصادی بدون مشارکت اقتصادی زنان امکان‌پذیر نیست. با وجود این، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران در سطح مطلوبی قرار ندارد. بر اساس آخرین آمار، استان یزد رتبه دوم را از لحاظ نرخ بیکاری زنان دارد. از این‌رو، این تحقیق با هدف واکوی موانع مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد انجام گرفت. در این مطالعه از روش تحقیق کیفی بهره گرفته شد. جامعه هدف تحقیق شامل گروه‌های منتخب استان یزد بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه و مشاهده بود. برای اطمینان از روایی و پایایی داده‌ها، پژوهشگر به هنگام جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های مختلفی چون بررسی اسناد و مدارک، مصاحبه، تهیه عکس و فیلم و ضبط صدا بهره گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از کدگذاری استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد در گام اول، با کدگذاری باز ۱۹ مفهوم اصلی استخراج شد. در گام دوم، کدگذاری محوری انجام گرفت و از ۱۹ مفهوم (کدهای اولیه)، ۳ مقوله فرعی شامل «نگرش به نقش زنان در فضای کسب‌وکار»، «بهره‌کشی از نیروی کار زنان» و «اثرات فردی، خانوادگی و فرهنگی اشتغال زنان» شناسایی شد. در نهایت، مدل پارادایمی شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، پیامدها، تعاملات و راهبردها به تصویر کشیده شد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهایی به‌منظور افزایش مشارکت اقتصادی زنان ارائه شد. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲ | |
| تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ | |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ | |
| تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱ | |
| کلیدواژه‌ها: | |
| استان یزد، تحقیق کیفی، مدل پارادایمی، نرخ بیکاری زنان. | |

استناد: فلاح حقیقی، نگین، شریفی، زینب، و احمدی، حامین (۱۴۰۳). واکوی موانع مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد (یک مطالعه کیفی). زن در توسعه و سیاست،

۲۳ (۱)، ۳۹-۶۵. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.363270.1008365>

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.363270.1008365>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

امروزه از منظر اغلب نظریه‌پردازان توسعه، عامل انسانی دارای نقش مؤثری در هدایت جریان توسعه است. از این‌رو، توجه به این مقوله به‌عنوان هدفی مهم در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی مطرح است. در بحث عامل انسانی، توجه به نقش و جایگاه زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جوامع حائز اهمیت است، به‌طوری‌که یکی از مهم‌ترین معیارها در ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان در آن کشور است (Saadi et al., 2017: 36).

به‌منظور تحقق توسعه اجتماعی، سرعت‌بخشی به فرایند توسعه اقتصادی و محقق‌شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به‌عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه تأثیر بسزایی خواهد داشت. از این‌رو، یک جامعه توسعه‌یافته بر اساس مشارکت هرچه فعال‌تر زنان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تشکیل شده است. در جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته، حضور زنان مؤثر در تمام عرصه‌ها به‌ویژه در عرصه‌های مختلف فعالیت اقتصادی است که تأثیر بسیاری بر روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی جامعه دارد (Safakish & Fallah Mohsenkhani, 2016: 104).

در بحث توسعه، مشارکت اقتصادی زنان هم علت و هم معلول توسعه‌یافتگی کشورها است. به دیگر سخن، عرضه نیروی کار زنان می‌تواند هم محرک و هم نتیجه توسعه اقتصادی کشورها باشد. بیانیه پنج هدف توسعه پایدار^۱ نیز کشورها را به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان فرا می‌خواند. در حقیقت، مشارکت اقتصادی زنان از مهم‌ترین اجزای توسعه و یکی از پنج هدف توسعه پایدار است (Sadeghi Amroabadi & Boudaghi, 2021: 2). به عبارت دیگر، یکی از شاخص‌هایی که در توسعه پایدار مورد سنجش قرار می‌گیرد، میزان مشارکت زنان است (Faraji, 2021: 52). Sabokbar et al. علاوه بر توسعه پایدار، بدون تردید نیروی کار زنان در توسعه اقتصادی کشورها دارای نقش مهمی است (Ansarinassab & Bidmal, 2023: 149). بنابراین، جوامع انسانی به‌منظور تحقق اهداف توسعه بایستی از تمامی منابع انسانی از قبیل زنان به‌طور صحیح بهره ببرند (Ezghayer & Varahrami, 2022: 154). درواقع، توسعه اقتصادی بدون مشارکت اقتصادی زنان امکان‌پذیر نیست (Rezaiean Gharagozlou & Rostamalizadeh, 2020: 56; Hemmat et al., 2021: 28) و زنان جزو مسلم و ضروری هرگونه بازسازی و توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند (Hemmat et al., 2021: 28)، به‌طوری‌که یکی از راه‌های گسترش درآمد ناخالص ملی جوامع، از

طریق افزایش و گسترش فعالیت‌های اقتصادی زنان در عرصه جامعه شکل می‌گیرد. از منظر اجتماعی نیز، اشتغال زنان نقش آشکاری در ارتقای هویت آنان دارد. اشتغال زنان، به‌عنوان یک توانمندی خاص، سهم عمده‌ای در بهبود کیفیت زندگی اجتماعی خانواده و خود زنان داشته است. افزون بر این، این قشر می‌تواند حامی خوبی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی خانواده و مرد باشد. این حمایت می‌تواند سبب شود نگرش‌های خانواده مبنی بر اینکه باید پسران یا مردان مولد اقتصادی باشند؛ تغییر یابد (Rezaiean Gharagozlou & Rostamalizadeh, 2020: 56).

با وجود این، زنان در جامعه در فرایند مشارکت اقتصادی با موانع و چالش‌هایی مواجه هستند. این موانع تا حدی ساختاری و نگرشی هستند. ساختاری به این مضمون که زمینه برای مشارکت زنان مناسب نیست. درواقع زنان با مقوله سقف شیشه‌ای روبه‌رو هستند به این معنا که از منظر نگرشی کلیشه‌های غالب جنسیتی وجود دارد (Rezaiean Gharagozlou & Rostamalizadeh, 2020: 54).

بر اساس آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران ۱۳/۳ درصد است (Statistical Center of Iran, 2023: 191). این در حالی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت فعال اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند (Sadeghi, 2021: 4). به دیگر سخن، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کشور درحال توسعه‌ای مثل ایران به‌طور قابل توجهی پایین‌تر از این نرخ در کشورهای توسعه‌یافته است. افزون بر این، نگاهی به آخرین آمار انتشار یافته در زمینه نرخ مشارکت و بیکاری زنان در استان‌های ایران گویای آن است که اگرچه نرخ مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد (۲۳/۱ درصد) بالاتر از نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کل کشور (۱۳/۳ درصد) است، نرخ بیکاری زنان در استان یزد (۳۱/۶) به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از نرخ بیکاری زنان در کل کشور (۱۶/۰ درصد) است، به‌طوری که از لحاظ نرخ بیکاری زنان، این استان رتبه دوم را در کشور دارد (Statistical Center of Iran, 2023: 191). این بدان معناست که جمعیت قابل توجهی از زنان در استان یزد جویا و علاقه‌مند به اشتغال هستند، اما به فعالیت اقتصادی اشتغال ندارند. بنابراین، ضرورت و اهمیت مشارکت اقتصادی زنان در توسعه، از یک طرف و بالا بودن نرخ بیکاری زنان در استان یزد از طرف دیگر ایجاب می‌کند که از طریق تحقیقی عمیق و کیفی موانع مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد مورد بررسی موشکافانه قرار گیرد. لازم به ذکر است منظور از مشارکت اقتصادی زنان، اشتغال و مشارکت آنان در بازار کار است. در این راستا، تحقیق حاضر در پی یافتن پاسخ این پرسش مهم است که موانع مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد کدام است؟ بر این اساس، ابتدا به مرور مبانی نظری

و پیشینه تجربی در زمینه موانع مشارکت اقتصادی زنان پرداخته شد. سپس به منظور انجام دادن یک مطالعه عمیق و موشکافانه، تحقیق در قالب مطالعه کیفی و مصاحبه با جامعه پژوهش انجام گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌ها از کدگذاری در طی چند مرحله بهره گرفته شد؛ در نهایت مدل پارادایمی به دست آمده ارائه شد.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه نظری

نظریه‌های مختلفی در راستای تبیین اشتغال زنان مطرح شده است. اشتغال زنان بیشتر بر نظریه مارکسیستی استوار بوده است. این دیدگاه، سرکوب زنان را به عنوان یک پیامد روابط ساختاری بین زن و مرد، در مباحثی از قبیل نیروی کار، قشر بندی اقتصادی-اجتماعی و تقسیم کار جنسیتی امکان پذیر می‌کند. در نظریه مارکسیستی، سرمایه‌داری نظامی است که علاوه بر روابط دادوستد، مبتنی بر مناسبات قدرت است. در این دیدگاه مشخصاً مسئله زن بر اساس نیاز سرمایه در استثمار نیروی کار و جست‌وجوی مدام در یافتن نیروی کار ارزان شکل می‌گیرد و زن کارگر برای تأمین معاش خود و خانواده‌اش وارد مناسبات حیات اقتصادی جامعه می‌شود. ورود زنان به عنوان نیروی کار ارزان به بازار کار تحت سیطره سرمایه‌داری، همراه با استثمار و بهره‌کشی بوده است. به طور کلی می‌توان نظریات تبیین اشتغال زنان را در دو دسته طبقه‌بندی کرد (Deldadeh Arani & Davoodi, 2021: 46):

الف: نظریه و دیدگاه‌های فمینیستی: نظریاتی از قبیل رویکردهای فمینیسم لیبرال، کارکردگرایان، فمینیست‌های رادیکال، فمینیست‌های سوسیالیستی، فمینیست‌های پسامدرن و فمینیست‌های اسلامی؛

ب: نظریه‌های نابرابری شغلی: شامل تئوری نئوکلاسیک، تئوری تجزیه‌شدن بازار کار و تئوری‌های جنسیت.

البته لازم به ذکر است تا پیش از دهه ۱۹۷۰، زنان کنشگران مهمی در فعالیت اقتصادی محسوب نمی‌شدند و معمولاً مشارکت آن‌ها در پروژه‌ها نادیده گرفته می‌شد. از دهه ۱۹۷۰، تغییراتی در نگرش نسبت به نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی ایجاد شد. از جمله این تغییرات، اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان «سال جهانی زنان» بود که سبب توجه بیشتر جهانیان به نقش انکارناپذیر زنان در توسعه شد و به تدریج مورد پذیرش قرار گرفت که امکان توسعه اقتصادی بدون مشارکت زنان وجود ندارد. ولی با وجود این تغییر نگرش و پذیرش و توجه به نقش مشارکت زنان در اقتصاد، آمارهای

مشارکت اقتصادی زنان در برخی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران از سطح مطلوبی برخوردار نیست. این امر ناشی از وجود برخی موانع است که در مسیر اشتغال و فعالیت اقتصادی آن‌ها خارج از محیط خانواده وجود دارد (Saadi et al., 2017: 37).

برخی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان، موانع توسعه‌ای است که مربوط به ساختار کشورها است. بخشی از آن موانع نیز غیر توسعه‌ای و غیر ساختاری است. موانع توسعه‌ای شامل موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. موانع غیر توسعه‌ای نیز در بردارنده ویژگی‌های شخصیتی و فیزیولوژی زنان می‌باشد (Ghasemi, 2019: 546-548).

۲-۱-۱. موانع توسعه‌ای

۲-۱-۱-۱. موانع فرهنگی

اگرچه در اشتغال زنان عامل اقتصادی بیشترین اهمیت را دارد، مطالعات نشان می‌دهد ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در جامعه، تأثیری مستقیم بر میزان اشتغال زنان دارد. در مورد ایران، این فرهنگ پذیرفته شده که در صورت مخالفت شوهر با کار زن، حتی در صورت تمایل او به ادامه کار، زن باید از کار خود چشم‌پوشی کند. از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان در ایران می‌توان به «باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها»، «ناآگاهی زنان ایرانی از حقوق شهروندی خود»، «ناآگاهی زنان از زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت»، «بالا تر بودن نرخ بی‌سوادی زنان نسبت به مردان» و «پایین بودن درصد متخصصان و دارندگان مدارج علمی در زنان نسبت به مردان» اشاره کرد.

۲-۱-۱-۲. موانع اجتماعی

موانع اجتماعی اشتغال زنان از موانع فرهنگی و اقتصادی آنان جدا نیست، ولی مهم‌ترین راه دستیابی به توسعه فرهنگی، آموزش و پرورش زنان است. در این زمینه دو نهاد مدرسه و خانواده مهم‌ترین عوامل در آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری زنان ارزیابی شده است. ناکافی بودن آموزش زنان در مقایسه با مردان، فرصت رشد زنان را با مشکل روبه‌رو می‌کند و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می‌کند که باعث می‌شود زنان در زمینه‌های شغلی یا شرایط مساوی با مردان نداشته باشند یا به علت پیش‌داوری‌های منفی نسبت به کار زنان، کارفرمایان، مردان را بر زنان ترجیح دهند.

۲-۱-۱-۳. موانع اقتصادی

از موانع اقتصادی می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱-۳) کار خانه‌داری بدون دستمزد: خانه‌داری که عمده‌ترین کار زنان در جامعه است، فعالیت‌های گوناگونی را در برمی‌گیرد که بدون پرداخت دستمزد است و هیچ‌گونه ارزیابی اقتصادی از فعالیت‌های مادری و همسری زنان در کاهش هزینه‌های خانواده و مؤثر بودن آن در اقتصاد غیرپولی نمی‌شود.

۲-۳) اختلاف سطح دستمزدها: اختلافات در زمینه درآمد‌ها تا حدی ناشی از اختلاف در اشتغال است، اگرچه ممکن است ساعات کار زنان، کمتر از مردان باشد و به کارهای متوسط یا پاره‌وقت مشغول باشند. عامل دیگر مؤثر در اختلاف درآمد بین مردان و زنان، تبعیض در پرداخت دستمزد است. در اکثر کشورهای در حال توسعه، زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار کرده و ۴۰ درصد کمتر حقوق دریافت می‌کنند. حتی این تبعیض در کشورهای توسعه‌یافته (البته با شدت کمتر) مشاهده می‌شود.

۳-۳) نوع مشاغل: حضور زنان در برخی مشاغل که بیشتر زنانه نامیده می‌شود از جمله معلمی، بهیاری و... که در ادامه نقش‌های سنتی زن در خانه است، تمرکز بیشتری دارد که با کیفیت پایین و نیز سطح دستمزدهای پایین‌تری نیز هستند؛ بنابراین، در عمل همچنان زنان از صحنه فعالیت اقتصادی دور هستند.

۲-۱-۲. موانع غیر توسعه‌ای

موانع غیر توسعه‌ای شامل وضعیت فیزیولوژیک زنان و نظام شخصیتی آنان است. این موانع متأثر از نظام فرهنگی و ارزش‌های جامعه و در اکثر کشورها از مهم‌ترین موانع است (Ghasemi, 2019: 546-548) که موجب شده تا این برداشت نادرست در جامعه شکل گیرد که زنان موجوداتی ضعیف هستند و مردان باید بر آنها تسلط یابند (Ghasemi, 2019: 550; Saadi et al., 2017: 38).

۲-۲. پیشینه تجربی

در زمینه اشتغال و موانع مشارکت اقتصادی زنان، مطالعات مختلفی انجام شده است که در ادامه به برخی از مطالعات اخیر اشاره می‌شود.

انصاری‌نسب و بیدمال (۱۴۰۲) به بررسی مشارکت اقتصادی زنان و میزان باروری در استان‌های ایران پرداختند. نتایج گویای آن بود که نرخ مشارکت اقتصادی زنان اثر منفی و معنی‌داری بر میزان باروری داشته است. خانه‌کشی و علمی (۲۰۲۳) با مطالعه عوامل اقتصادی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان روستایی در استان‌های ایران و با تأکید بر منحنی سن مشارکت پرداختند.

یافته‌ها حاکی از وجود رابطه‌ای به صورت U وارونه بین سن و احتمال مشارکت زنان بوده است. همچنین، محصل بودن زنان و حضور فرزند زیر شش سال در خانوار، بر احتمال مشارکت زنان در بازار کار اثر منفی داشته است؛ درحالی‌که اثر سطح آموزش بر مشارکت زنان U شکل بوده است که نشان از دوگانگی بازار کار زنان در اقتصاد ایران دارد. ازغیر و ورهرامی (۱۴۰۱) عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار در کشور سوریه را بررسی کردند. نتایج گویای آن بود که متغیرهای تحصیلات و نرخ مهاجرت (با توجه به اینکه مردان بیشترین درصد مهاجران را تشکیل می‌دهند)، دارای تأثیر مثبت و معنادار و متغیرهای نرخ باروری و نرخ ثبت‌نام در مدرسه، دارای تأثیر منفی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سوریه بوده است. حدادمقدم (۱۴۰۱) به تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار نیروی کار ایران با تأکید بر متغیرهای سن و مهاجرت پرداخت. بر اساس نتایج، تحصیلات در زنان قدرتمندترین عامل مشارکت زنان شهری در بازار نیروی کار بوده است. به گواه آمار، عمده‌دلیل افزایش جمعیت غیرفعال زنان، وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی بوده است. در این پژوهش هم افزایش تعداد فرزندان زیر هفت سال، در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی و متأهل بودن در مناطق شهری منجر به کاهش حضور زنان در بازار نیروی کار بوده است. طولابی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱) به تحلیل کیفی چالش‌های مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کارآفرینی کشاورزی پرداختند. بر اساس کدگذاری‌های انجام‌شده، چالش‌های مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کارآفرینی کشاورزی شامل ۴ چالش کلی: ۱) چالش اقتصادی-مالی؛ ۲) فرهنگی-اجتماعی؛ ۳) شخصی-روان‌شناختی و ۴) چالش‌های ساختاری-نهادی و چالش‌های خردتر بودند. چالش‌های مالی-اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی مهم‌ترین چالش‌ها شناسایی شدند. بذرافشان و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشاغل زنان روستایی و رویکردهای نوین توسعه روستایی در روستاهای شهرستان‌های گنبد، مینودشت و کلاله پرداختند. نتایج نشانگر آن بود که وضعیت موجود مشاغل خانگی روستایی با حالت مطلوب تفاوت معناداری داشت. همچنین ارتقا و توسعه مشاغل خانگی روستایی با رویکرد نوسازی (مدرن) و مشارکتی رابطه معنادار داشت.

دلداده‌آرانی و داودی (۱۴۰۰) به شناسایی چالش‌های پیش روی زنان شاغل در حوزه صنعت در شهرک‌های صنعتی شهرستان آران و بیدگل پرداختند. براساس یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین موانع در پاسخ مصاحبه‌شوندگان، شامل موانع فردی، موانع خانوادگی و موانع اجتماعی بوده است. زعفران‌چی (۱۴۰۰) به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان متأهل پرداخت و نشان داد دارا بودن تحصیلات دانشگاهی اصلی‌ترین عامل مؤثر بر افزایش احتمال مشارکت اقتصادی زنان متأهل بوده است. همچنین این احتمال با افزایش سن تا مرز ۴۸ سالگی افزایش و یا از آن کاهش یافته است.

ویژگی‌های اقتصادی خانوار از جمله دسترسی به درآمدهای متفرقه همسران و مالکیت منزل بر کاهش احتمال مشارکت اقتصادی زنان متأهل اثرگذار بودند. صادقی عمروآبادی و بوداکی (۱۴۰۰) به رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان استان خوزستان پرداختند. نتایج گویای آن بود که به ترتیب، سرمایه اجتماعی، نگرش جامعه نسبت به کارکردن زنان و مردسالاری و تحصیلات و آگاهی زنان در مقایسه با سایر متغیرهای وارد شده در مدل نقش مهم‌تری در مشارکت اقتصادی زنان استان خوزستان ایفا کرده‌اند. رضائیان قراگوزلو و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۹) به مطالعه عوامل بازدارنده مشارکت اقتصادی زنان از سوی خانواده در جامعه محلی روستای بهده شهرستان پارسین پرداختند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن بود که ارزش‌ها و نگرش‌ها (تفاسیری که زنان از سنت‌ها دارند)، باورها و اعتقادات (باور به برتری و سرپرستی مردان)، کلیشه‌های جنسیتی (تفکیک فضای عمومی و خصوصی، زنانه و مردانه)، نوع مالکیت و اختیارات (تصمیم‌گیری در خصوص درآمد و هزینه‌ها و مالکیت بر دارایی‌ها) و نوع تصمیم‌گیری و انتخاب (انتخاب شغل، مهاجرت، ازدواج و طلاق)، از مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان هستند. صفری و همکاران (۱۳۹۹) به تحلیل جامعه‌شناختی شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی زنان شهری استان آذربایجان شرقی پرداختند. بر اساس نتایج تحقیق، بیش از ۶۵ درصد زنان مورد مطالعه با مشارکت اقتصادی پایین زنان موافق بودند. همچنین، رابطه متغیرهای کلیشه‌های جنسیتی و مردسالاری با شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی معنی‌دار است، اما متغیر نقش‌های جنسیتی رابطه معنی‌دار ندارد؛ بنابراین نتیجه گرفته شد که شکاف جنسیتی ریشه در باورهای اجتماعی منفی و قدرت اجتماعی مردان داشته است. هادی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) به ارائه الگوی ارزیابی توزیع فضایی فعالیت (اشتغال و بیکاری) زنان در شهرستان‌های ایران با استفاده از سیستم‌های دانش‌بنیان پرداختند. نتایج نشان داد که نابرابری و شکاف زیادی بین استان‌ها و شهرستان‌های کشور از نظر بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان وجود دارد؛ به طوری که از یک سو، مشارکت اقتصادی زنان با ۲۱/۴۴ درصد در ۱۶۸ شهرستان در وضعیت خوب و رو به بهبود قرار دارد و از سوی دیگر، بالابودن نرخ بیکاری زنان در استان‌های کشور از نظم خاصی پیروی نمی‌کند و هرجا شرایط برای کار و اشتغال فراهم است، نرخ آن افزایش می‌یابد؛ به طوری که بخش‌هایی از سیستم در درجه پایین مشارکت اقتصادی و لکه‌هایی از غرب، کرمانشاه، لرستان و جنوب غرب، در درجه دوم قرار دارند. درجه مشارکت اقتصادی در خوش‌بینانه‌ترین حالت شامل اصفهان، یزد، خراسان جنوبی و لکه‌هایی از بوشهر و هرمزگان و جزایر جنوبی است که از مشارکت زیادی برخوردارند و شرایط خاص اقتصادی این مناطق در این امر دخیل بوده است.

بهروزه و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی روستاهای شهرستان جیرفت پرداختند. یافته‌ها گویای آن بود که میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی بالا بوده است. بر اساس نتایج تحلیل همبستگی متغیرهای عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، انگیزشی، نگرشی، آموزشی- ترویجی، میزان تحصیلات، بعد خانوار و سن با مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی رابطه معنی‌داری داشت. همچنین بر اساس نتایج رگرسیون چندمتغیره، متغیرهای مستقل توانستند در مجموع ۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. رومیانی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی و واکاوی نقش اشتغال زنان در اقتصاد خانوارهای روستایی بخش باجگیران شهرستان قوچان پرداختند. یافته‌ها گویای وجود همبستگی مثبت و معنادار بین اشتغال زنان و افزایش درآمد خانوار، اشتغال زنان با میزان خوداتکایی اقتصادی خانوار، اشتغال زنان و ویژگی‌های فردی و اجتماعی وجود داشت و نمایانگر حضور بیشتر زنان در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها بود. قاسمی (۱۳۹۸) در نتایج تجزیه و تحلیل‌ها و بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که رفع موانع فردی و استفاده ملموس از زنان و انجمن‌های زنان در برنامه‌ریزی‌های مشارکتی، لازمه حضور بالفعل و اشتغال زنان است. غفاری و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی نقش انواع سرمایه در مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای اتحادیه اروپا و خاورمیانه پرداختند. نتایج نشان داد که کشورهای اتحادیه اروپا با نرخ بالای مشارکت اقتصادی زنان و کشورهای خاورمیانه با مقدار پایین این نرخ تفاوت معناداری در برخورداری از سرمایه و انواع آن (سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی) دارند. به دیگر سخن، همبستگی مثبتی بین برخورداری از انواع سرمایه و مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای مورد بررسی وجود داشت. همچنین، براساس تحلیل رگرسیون خطی، این سرمایه‌ها توانستند حدود ۷۰ درصد تغییرات مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای مورد مطالعه را تبیین کنند. مزینی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی اثر توسعه فضای مجازی بر مشارکت زنان در اقتصاد ایران پرداختند. یافته‌ها نشان داد که رابطه‌ای معکوس بین نرخ‌های باروری و مشارکت زنان وجود داشته است و با گسترش فضای مجازی، نرخ مشارکت زنان افزایش یافته اما گسترش فضای مجازی برخلاف انتظار، بر نرخ باروری تأثیر مثبت و معنادار داشته است.

غفاری و یوسفی (۱۳۹۷) به بررسی و تحلیل تأثیر فرصت‌های نابرابر جنسیتی بر مشارکت اقتصادی زنان پرداختند. نتایج گویای آن بود که رابطه نرخ مشارکت اقتصادی زنان با شاخص فرصت‌های نابرابر جنسیتی، متوسط، مثبت و کاملاً معنی‌دار بود. همچنین، تحلیل رگرسیون خطی نشان داد که ابعاد فرصت‌های نابرابر جنسیتی (اقتصادی، آموزشی و سیاسی) حدود ۴۲ درصد تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای مورد مطالعه را تبیین کرد. اسدزاده و همکاران (۱۳۹۶) به

بررسی نقش اشتغال و تحصیلات زنان بر رشد اقتصادی ایران پرداختند. یافته‌ها گویای آن بود که میزان تحصیلات زنان در قالب متغیر تقاطعی دارای تأثیر مثبتی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان و در نهایت تولید ناخالص داخلی کشور بوده است. سعدی و همکاران (۱۳۹۶) به تحلیل موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی شهرستان تویسرکان پرداختند. براساس نتایج چهار مانع و محدودیت شامل «موانع اجتماعی فرهنگی» به عنوان مهم‌ترین عامل، «موانع اقتصادی محیطی»، «موانع شخصیتی» و «موانع آموزشی حمایتی» در مجموع، ۶۲/۳۰ درصد از واریانس موانع اشتغال زنان روستایی را تبیین کردند. فطرس و همکاران (۱۳۹۶) به تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری پرداختند. یافته‌ها گویای وجود رابطه مثبت بین نرخ اشتغال با نرخ باروری بود؛ به طوری که با افزایش میزان اشتغال و به تبع آن ایجاد امنیت مالی میل به باروری در میان زنان ایران افزایش پیدا کرده است. کمایی و افشاری (۱۳۹۶) با مطالعه عوامل تعیین‌کننده مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای منتخب، در تمامی برآوردهای انجام شده، به رابطه مثبت و معناداری بین نرخ باروری و نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای کم‌درآمد پی بردند. به علاوه نتایج حاکی از آن بود که نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای مسلمان به طور معناداری کمتر از سایر کشورها بوده است. عبداللهی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بیش از نیمی از مردان و زنان در سطوح مختلف فعالیت‌های اقتصادی، بر گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی به منظور رسیدن به استقلال مالی، کسب وجهه اجتماعی و همچنین مشارکت در تأمین هزینه‌های زندگی به دلیل افزایش این هزینه‌ها طی سال‌های اخیر توافق نظر داشتند. البته زنان غیر شاغل کسب وجهه اجتماعی را دلیل موجهی برای فعالیت‌های اقتصادی زنان نمی‌دانستند و بیشتر بر مشارکت آنان در تأمین هزینه‌های زندگی به دلیل افزایش این هزینه‌ها طی سال‌های اخیر تأکید داشتند.

صفایی‌پور و زادولی‌خواجه (۱۳۹۵) به بررسی موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران، در کلان‌شهر تبریز پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌های فرهنگی جامعه مهم‌ترین مانع برای مشارکت اقتصادی زنان بوده است. شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. افزون بر این، در بین متغیرهای مورد مطالعه نیز تبعیض و تفاوت در فرایند اجتماعی شدن زن و مرد در جامعه، طرز تلقی و نگرش جامعه به وظایف زنان، صاحب سرمایه نبودن زنان و عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی مهم‌ترین موانع مشارکت اقتصادی زنان بوده است. صفاکیش و فلاح محسن‌خانی (۱۳۹۵) به بررسی عدم مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار ایران پرداختند. بررسی داده‌های آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران درباره علل عدم جست‌وجوی کار در

بین زنان غیر فعال نشان داد بیش از ۷۰ درصد آن‌ها مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی، در حدود ۲ درصد آنان بی‌نیازی از انجام‌دادن کار و حدود ۱ درصدشان نیز دلسردی از یافتن کار را به‌عنوان دلیلی برای عدم مشارکت اقتصادی خود بیان کردند. بنابراین، پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران بیش از عوامل اقتصادی ناشی از نگرش‌های فرهنگی و سنتی موجود در جامعه است. مشیری و همکاران (۱۳۹۴) به مطالعه عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت نیروی کار در بازار کار ایران پرداختند. نتایج گویای آن بود که نرخ مشارکت در گروه‌های سنی میانی بیشترین است. مشارکت افراد متأهل در بازار کار بیشتر از افراد مجرد و همچنین مجردهای قبلاً ازدواج کرده است. با افزایش مدرک تحصیلی، احتمال مشارکت به‌ویژه در زنان افزایش یافته است و درآمد سایر اعضای خانواده احتمال مشارکت در بازار کار را کاهش داده است. کریمی‌موغاری و همکاران (۱۳۹۲) به مطالعه عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۹۰ پرداختند. یافته‌ها نشان داد که در دوره مورد بررسی افزایش درجه توسعه‌یافتگی کشور و بالارفتن سطح تحصیلات زنان، بیشترین تأثیر را در افزایش سهم زنان در تأمین نیروی کار داشته است. ایبورک و ایلوآورتی (۲۰۲۳) به مطالعه مشارکت نیروی کار زنان در آفریقای شمالی پرداختند. نتایج نشان داد همبستگی مثبت و معنی‌داری بین نگرش مردان درباره «مردان باید حقوق شغلی بالاتری از زنان در زمان کمبایی شغل داشته باشند» و مشارکت نیروی کار وجود دارد که نقش مؤثر هنجارهای اجتماعی را در شمال آفریقا نشان می‌دهد.

کریم و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی منابع، هنجارهای اجتماعی و قصد کارآفرینی زنان در اقتصاد نوظهور پرداختند. نتایج گویای آن بود که در دسترس بودن منابع بیشتر به‌طور معنی‌داری بر قصد کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان تأثیر می‌گذارد که نشان‌دهنده وجود موانع هنجاری است که مانع کارآفرینی آن‌ها می‌شود. این موانع هنجاری از طریق نقش‌هایی که زنان در حوزه زندگی ایفا می‌کنند و مانع از قصد کارآفرینی آن‌ها شده، ظاهر می‌شوند. اوفوری و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی هم‌افزایی بین حکمرانی و بازبودن تجارت در ارتقای مشارکت اقتصادی زنان در صحرای آفریقا پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بازبودن تجارت برای مشارکت اقتصادی زنان ضروری بوده اما کافی نیست. از این‌رو، اجرای بازبودن تجارت با حکمرانی خوب، مشارکت اقتصادی زنان را در منطقه مذکور افزایش می‌دهد. ارشد و همکاران (۲۰۲۳) به مطالعه مشارکت اقتصادی زنان و تأثیر آن بر اقتصاد پاکستان پرداختند. نتایج نشان داد که عواملی مانند کمبود آموزش و پرورش، فرهنگ و هنجارها، نرخ باروری و بیکاری بر مشارکت زنان تأثیر منفی داشته است. عزیزی و مرادی (۲۰۲۲) به تحلیل موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران پرداختند. نتایج آزمون همبستگی و رگرسیون چندمتغیره گویای آن

بود که موانع اقتصادی، اجتماعی و شغلی دارای تأثیر منفی و معنی دار بر مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار ایران بود؛ درحالی که تأثیر موانع نهادی از نظر آماری معنی دار نبود. جمع بندی مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی گویای آن است که مجموعه‌ای از عوامل و محدودیت‌ها در اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان وجود دارند. برای رفع این موانع، شناسایی ابعاد دقیق این موانع حائز اهمیت است. لازم به ذکر است که اغلب مطالعات انجام شده به صورت کمی انجام شده و کمتر مطالعه عمیق کیفی در زمینه مذکور انجام شده است. افزون بر این، علی‌رغم بالابودن نرخ بیکاری زنان در استان یزد، مطالعه‌ای در زمینه موانع اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان این استان انجام نشده است که این موارد وجه تمایز این تحقیق با مطالعات پیشین بوده است. بنابراین، به منظور پرکردن این شکاف مطالعاتی، تحقیق حاضر با انجام یک مطالعه کیفی به دنبال واکاوی جامع و موشکافانه موانع مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی بهره گرفته شد. جامعه هدف تحقیق شامل گروه‌های منتخب مشتمل بر مدیران ارشد و اجرایی، مدیران مرتبط با منابع انسانی، نخبگان کسب و کار و کارآفرینان، کارفرمایان، متخصصان و کارشناسان منابع انسانی، دانشجویان و دانش‌آموختگان استان یزد بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و نمونه مورد مطالعه بر اساس معرفی افراد صاحب‌نظر و شاخص‌های تعیین شده از سوی تیم تحقیق انتخاب شد. نمونه‌گیری تا اشباع نظری و تکراری شدن اطلاعات ارائه شده به وسیله منتخبان مصاحبه ادامه پیدا کرد و بر این اساس تعداد ۴۵ مصاحبه انجام شد.

ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه، مشاهده، ثبت اطلاعات و ضبط صدا یا تصویر (در مواردی که مصاحبه‌شوندگان موافق با ضبط صدا یا تصویر بودند) به عنوان روش‌های اصلی گردآوری اطلاعات بودند. مصاحبه ساخت‌نیافته و باز یکی از روش‌های شناخته شده‌ای است که به مصاحبه‌شوندگان اجازه می‌دهد عقاید و افکار خود را بیان کنند. به هرروی مصاحبه عمیق برای آشکارسازی یک موضوع و گفت‌وگو در خصوص جزئیات آن بسیار مفید است. مصاحبه‌ها به خوبی انجام شد و اطلاعات ارزشمند و مفیدی در اختیار محقق قرار گرفت. سؤال مصاحبه این بود: چه موانعی پیش روی مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد قرار دارد؟

روش‌هایی برای سنجش روایی و پایایی در تحقیق کیفی پیشنهاد شده است. گوبا و لینکن قابلیت اعتماد را به عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی در تحقیق کیفی عنوان کرده‌اند که

شامل چهار مفهوم جزئی‌تر قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت تأیید و اطمینان‌پذیری است. روش‌های مختلفی به منظور ارتقای پایایی و روایی در پژوهش‌های کیفی وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها کار میدانی و طولانی‌مدت، استفاده از استراتژی‌های چندروشی در جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از نقل قول‌ها و بیان واقعی شرکت‌کنندگان به منظور ارتقای پایایی؛ همچنین کیفیت ضبط و مستندسازی داده‌ها، آموزش دقیق مصاحبه‌گران، کدگذاری درست و استفاده از افراد ناشناس در کدگذاری در جهت ارتقای روایی هستند (Parhoodh et al., 2022: 37, 42). در این تحقیق، برای اطمینان از پایایی داده‌ها، پژوهشگر به هنگام جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های مختلفی چون کار میدانی و طولانی‌مدت، بررسی اسناد و مدارک، مصاحبه، تهیه عکس و فیلم، استفاده از نقل قول‌ها و برای اطمینان از روایی از ضبط و مستندسازی صدا بهره گرفته شد.

جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت همزمان صورت گرفت. پس از انجام مصاحبه‌ها، مصاحبه‌های ضبط‌شده چندین بار به وسیله محقق شنیده و یادداشت‌برداری و مفاهیم اصلی استخراج شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از سه شکل از کدگذاری استفاده شد: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. در کدگذاری باز از عین جملات افراد مصاحبه‌شده، استفاده شد و داده‌ها به کوچک‌ترین واحد خود شکسته شدند. در کدگذاری محوری مقوله‌ها به صورت یک شبکه، با هم در ارتباط قرار گرفتند. در کدگذاری انتخابی جمله‌هایی که قبلاً کدگذاری شده بودند، دوباره با هم ترکیب شدند تا رابطه میان آن‌ها قابل درک شده و سپس نمودار مربوط به آن‌ها ترسیم شود.

۴. یافته‌های پژوهشی

همان‌گونه که اشاره شد با تعداد ۴۵ نفر از مدیران ارشد و اجرایی استان، مدیران مرتبط با منابع انسانی، نخبگان کسب‌وکار و کارآفرینان، کارفرمایان، متخصصان و کارشناسان منابع انسانی، دانشجویان و دانش‌آموختگان استان یزد مصاحبه انجام گرفت. سپس مصاحبه‌های ضبط‌شده چندین بار به‌وسیله محقق شنیده و یادداشت‌برداری شد. در گام اول، در کدگذاری باز مفاهیم اصلی استخراج شد. به این منظور، دقیقاً جملات افراد مصاحبه‌شونده، به کار گرفته شد و داده‌ها به کوچک‌ترین واحد تجزیه شدند. در این مرحله ۱۹ مفهوم استخراج شد. نتایج کدگذاری اولیه، طبقات مفهوم‌سازی شده و مفاهیم حاصل در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. کدگذاری اولیه، طبقات مفهوم‌سازی شده و مفاهیم حاصل

| مشارکت اقتصادی زنان | | |
|---------------------|--|---|
| ردیف | عبارات | مفهوم |
| ۱ | مبانی فرهنگی و اعتقادی ما تا جایی که شده اجازه نداده زنان و مردان به یک اندازه به بازار کار وارد شوند. | - نابرابری جنسیتی در فرصت‌های شغلی - فرهنگ نادرست درباره اشتغال زنان |
| ۲ | شان زنان به‌اندازه خودش است و متناسب با وضعیت جسمی و احساسی (تفاوت ذاتی زنان و مردان) آن باید او را مشارکت دهیم. پس اگر او به جامعه وارد شد، معادلات اجتماعی به هم می‌ریزد (تغییرناپذیری ساختارهای اجتماعی) پس حضور زنان آسیب است. | - نادیده گرفتن توانایی‌های زنان - نگرش سنتی و تقلیل‌گرا به زنان |
| ۳ | فرهنگ ما از دو فرهنگ ایرانی و اسلامی تشکیل شده است و اگر یکی از آن‌ها از بین برود آسیب اجتماعی بیشتر می‌شود لذا ورود زنان باید حساب و کتاب داشته باشد و باید بدانیم مشارکت زنان با چه هدف و توانمندی صورت می‌گیرد. | - محدوددانستن میزان مشارکت اقتصادی زنان |
| ۴ | ما زنان را جوری پرورش داده ایم که اگر زنان وارد بازار کار شوند تعادلات فکری آن‌ها به هم می‌ریزد. | - عدم پرورش خودباوری و استقلال در زنان |
| ۵ | شاید از لحاظ کاری کم‌توقع هستند ولی به‌مرور روابط خانوادگی آن‌ها دچار مشکل می‌شود. | - تضاد نقش اجتماعی با خانوادگی - تغییرات نگرشی ناشی از حضور در جامعه |
| ۶ | باید نرخ مشارکت زنان را افزایش داد. فرهنگ یزد این است که زن باید در خانه باشد. | - محدودکردن زنان در حد وظایف خانه‌داری و بچه‌داری |
| ۷ | دنیا بحث خانه‌داری را بسیار مورد توجه قرار می‌دهد (نوگرایی در نهاد خانواده). هزینه نگهداری فرزند به‌وسیله مراکز یا مانند مهدکودک یا مراکز نگهداری فرزندان شاید بیشتر از درآمد یک زن می‌باشد که به‌صرفه نیست. | - نگرش منفی به اشتغال زنان |

| مشارکت اقتصادی زنان | | |
|---------------------|--|---|
| ردیف | عبارات | مفهوم |
| ۸ | اما باید از توانایی زنان استفاده کرد. نهادهایی شکل بگیرند که تا حدی بتوانند فرزندان را پرورش بدهند، اما نه مانند پدر و مادر؛ ارتقای نهادهایی مانند مهدکودک. | - محدودکردن زنان در حد وظایف خانه‌داری و بچه‌داری - نوگرایی در تربیت فرزند |
| ۹ | ما معتقدیم اگر زنان ماهیانه میلیاردها تومان درآمد داشته باشند، نان‌آور خانه مرد است. زن هر چقدر هم درآمد داشته باشد کسی از او توقعی ندارد، ولی مردی اگر پول نداشته باشد شرمندۀ خانواده‌اش می‌شود. پس باید اول مردان را شاغل کنیم و بعد زنان به کار گرفته شوند. | - دیدگاه سنتی به اشتغال زنان |
| ۱۰ | این نکته درآوری است که اگر مجموعه‌ای صد نفر استخدام کند نود نفر آن زنان هستند. آن قدر به زنان بها دادیم که مردان ناامید شدند. | - نگرش‌های جنسیتی در اشتغال |
| ۱۱ | زنان که با حداقل مزایا مشغول به کار هستند؛ یعنی کارفرما در حال استثمار آن‌ها است. پس این وسط فقط به نفع کارفرما است، نه جامعه و زنان. | - اشتغال زنان فقط در جهت بهره‌برداری دیگران - نادیده گرفتن حقوق زنان در عرصه‌های اقتصادی |
| ۱۲ | زنان باید در جامعه حضور یابند، ولی نه تا جایی که حیثیت شغلی مردان (اولویت شغلی مردان) به خطر افتد. | - اشتغال مشروط زنان - نگرش منفی به اشتغال زنان |
| ۱۳ | در بحث اشتغال زنان ما زنان توانمندی در کادر پزشکی، آموزگاری و علمی داریم. ولی در حوزه اداری برعکس تهران که حدوداً ۷۰ درصد آن را بانوان تشکیل می‌دهند در یزد زیر ۳۰ درصد است. | - پایین بودن میزان اشتغال زنان در حوزه‌های مدیریتی و اداری |
| ۱۴ | هرچه مشارکت زنان در جامعه بیشتر باشد این نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی آن کشور است چون نگاه سنتی نسبت به آن نخواهیم داشت. در کشور ما شغل‌های محدودی می‌خواهیم به بانوان بدهیم و به آن‌ها بها داده نمی‌شود و گاهی آنان را به‌عنوان آسیب قلمداد می‌کنیم. | - دیدگاه سنتی به اشتغال زنان - نگرش منفی و محدودکننده به اشتغال زنان |
| ۱۵ | اول باید فرهنگ‌سازی شود. ما باید با این رویکرد نگاه کنیم که ۵۰ درصد نیروی اقتصادی کشور را بانوان تشکیل می‌دهند پس اگر به آن‌ها زمینه مشارکت بدهیم قطعاً از آسیب‌های اجتماعی کاسته خواهد شد. | - دیدگاه سنتی به اشتغال زنان |
| ۱۶ | مشارکت اقتصادی زنان موجب ارتقای توسعه منابع انسانی در استان می‌شود البته در صورتی که مشارکت اقتصادی منجر به اشتغال زنان شود و این قشر بتوانند به بازار کار ورود پیدا کنند. | - پایین بودن میزان اشتغال زنان |
| ۱۷ | اتفاقاً مشارکت اقتصادی زنان نقطه قوت اقتصادی است چنان‌که در کشورهای پیشرفته دنیا زنان پایه‌پای مردان در عرصه‌های اقتصادی فعالیت می‌کنند و بحث تفکیک جنسیتی مطرح نیست. | - تجربه جهانی موفق فعالیت اقتصادی زنان - پایین بودن میزان مشارکت اقتصادی زنان |

در گام دوم، کدگذاری محوری انجام گرفت. براین اساس از ۱۹ مفهوم (کدهای اولیه) مرحله قبل، مقوله‌های فرعی به دست آمدند. بر این اساس، سه مقوله فرعی زیر استخراج شدند:

۱- نگرش به نقش زنان در فضای کسب‌وکار

۲- بهره‌کشی از نیروی کار زنان

۳- اثرات فردی، خانوادگی و فرهنگی اشتغال زنان

نتایج مقوله محوری، مقوله‌های فرعی، مفاهیم مربوط به هر مقوله در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مقوله موانع مشارکت اقتصادی زنان؛ مقوله‌های فرعی، مفاهیم مربوط به هر مقوله، نوع پیوند مقولات اصلی و فرعی

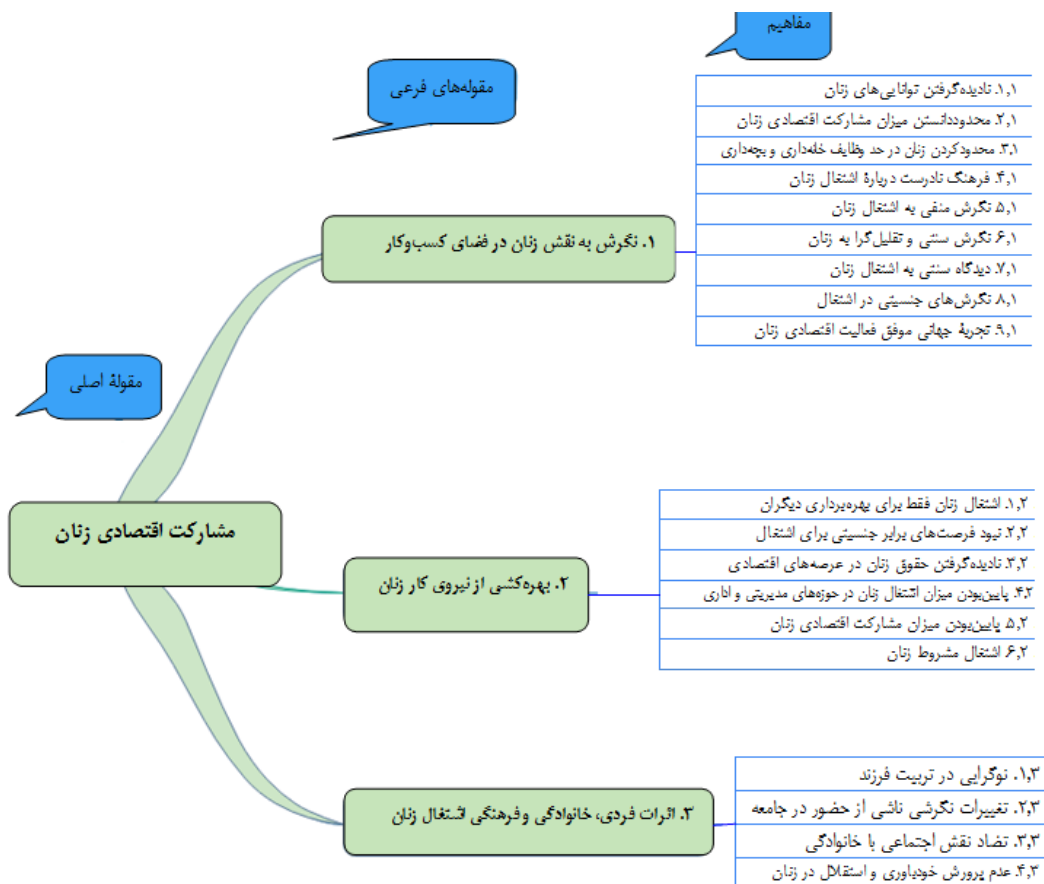
| مقوله | مقوله‌های فرعی | مفاهیم |
|---|-----------------------------------|--|
| موانع مشارکت اقتصادی زنان | نگرش به نقش زنان در فضای کسب‌وکار | نادیده گرفتن توانایی‌های زنان |
| | | محدود دانستن میزان مشارکت اقتصادی زنان |
| | | محدود کردن زنان در حد وظایف خانه‌داری و بچه‌داری |
| | | فرهنگ نادرست درباره اشتغال زنان |
| | | نگرش منفی به اشتغال زنان |
| | | نگرش سنتی و تقلیل‌گرا به زنان |
| | | دیدگاه سنتی به اشتغال زنان |
| | | نگرش‌های جنسیتی در اشتغال |
| | | تجربه جهانی موفق فعالیت اقتصادی زنان |
| | | اشتغال زنان فقط برای بهره‌برداری دیگران (۲) |
| بهره‌کشی از نیروی کار زنان | | نبود فرصت‌های برابر جنسیتی برای اشتغال |
| | | نادیده گرفتن حقوق زنان در عرصه‌های اقتصادی |
| | | پایین بودن میزان اشتغال زنان در حوزه‌های مدیریتی و اداری (۲) |
| | | پایین بودن میزان مشارکت اقتصادی زنان (۲) |
| | | اشتغال مشروط زنان (۲) |
| اثرات فردی، خانوادگی و فرهنگی اشتغال زنان | | نوگرایی در تربیت فرزند |
| | | تغییرات نگرشی ناشی از حضور در جامعه |
| | | تضاد نقش اجتماعی با خانوادگی |
| | | عدم پرورش خودباوری و استقلال در زنان |

به منظور درک بهتر ارتباط مقوله اصلی «موانع مشارکت اقتصادی زنان» با مقوله‌های فرعی و مفاهیم، نمودار آن در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است. همان‌گونه که در جدول ۲ و شکل ۱ مشاهده می‌شود موانع مشارکت اقتصادی زنان در سه مقوله فرعی تقسیم‌بندی شده است:

۱- نگرش به نقش زنان در فضای کسب و کار: این مقوله شامل مفاهیمی از قبیل وجود فرهنگ نادرست و نگرش منفی نسبت به اشتغال زنان، وجود دیدگاه و نگرش سنتی و تقلیل‌گرا نسبت به اشتغال زنان، محدوددانستن میزان مشارکت اقتصادی زنان و محدودکردن آنان در حد وظایف خانه‌داری و بچه‌داری، نگرش‌های جنسیتی در اشتغال و غیره بوده است. به‌طور کلی این مقوله به نگرش سنتی و گاهی منفی نسبت به اشتغال زنان و محدودکردن آن‌ها به وظایف جنسیتی از قبیل خانه‌داری و بچه‌داری اشاره دارد.

۲- بهره‌کشی از نیروی کار زنان: این مقوله دربردارنده مفاهیمی از جمله پایین‌بودن میزان مشارکت اقتصادی زنان و نیز پایین‌بودن اشتغال زنان در حوزه‌های مدیریتی و اداری، نادیده‌گرفتن حقوق آنان در عرصه‌های اقتصادی و اشتغال مشروط آنان و در جهت بهره‌برداری دیگران و نبود فرصت‌های برابر جنسیتی برای اشتغال است. به‌طور کلی این مقوله اشاره به تبعیض و نادیده‌گرفتن حقوق زنان در عرصه‌های اقتصادی دارد.

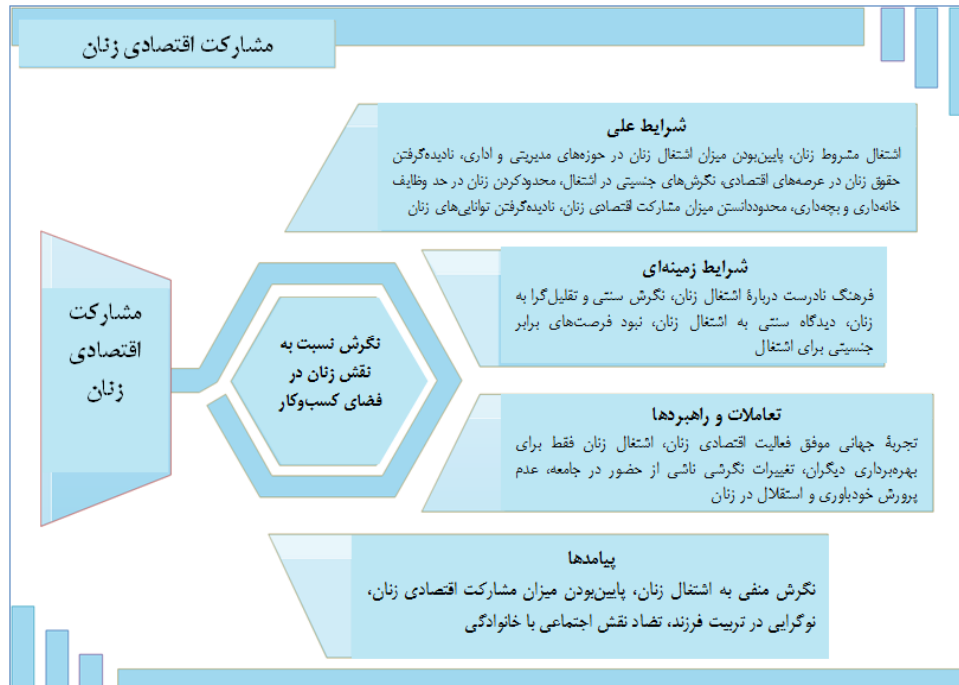
۳- اثرات فردی، خانوادگی و فرهنگی اشتغال زنان: این مقوله دربرگیرنده مفاهیمی از قبیل تضاد نقش اجتماعی با خانوادگی، عدم پرورش خودباوری و استقلال در زنان، تغییرات نگرشی ناشی از حضور در جامعه و نوگرایی در تربیت فرزند است. در واقع، این مقوله به موانع فردی و خانوادگی اشتغال زنان اشاره دارد.



شکل ۱. ارتباط مقوله «موانع مشارکت اقتصادی زنان» با مقوله‌های فرعی و مفاهیم

در نهایت بر اساس نتایج حاصل از کدگذاری‌های قبلی، مدل پارادایمی موانع مشارکت اقتصادی زنان و پیوند و ارتباط مقوله‌های اصلی و فرعی و نوع پیوند بین آن‌ها در شکل ۲ ارائه شده است. همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، در این مدل شرایط علی شامل پایین‌بودن میزان اشتغال زنان در حوزه‌های مدیریتی، نادیده‌گرفتن حقوق زنان در عرصه‌های اقتصادی، نگرش‌های جنسیتی در اشتغال، محدودکردن زنان به خانه‌داری و نادیده‌گرفتن توانایی‌های آنان است. از پیامدهایی که این علل به دنبال دارد می‌توان به نگرش منفی نسبت به اشتغال زنان، پایین‌بودن میزان مشارکت اقتصادی، نوگرایی در تربیت فرزند و تضاد نقش اجتماعی با خانوادگی اشاره کرد. فرهنگ نادرست درباره اشتغال زنان، نگرش سنتی و تقلیل‌گرا به زنان و نبود فرصت‌های برابر

جنسیتی برای اشتغال، شرایطی زمینه‌ای هستند که در بروز پیامدها نقش دارند. در نهایت راهبردهایی نظیر تغییرات نگرشی ناشی از حضور زنان در جامعه و پرورش خودباوری و استقلال در زنان نیز در مدل مشاهده می‌شود.



شکل ۲. مدل پارادایمی موانع مشارکت اقتصادی زنان

۵. بحث

با توجه به نقش مشارکت اقتصادی زنان در توسعه و رتبه دوم استان یزد در بالابودن نرخ بیکاری زنان، این تحقیق با هدف واکاوی موانع مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد انجام گرفت. بر این اساس، نتایج بررسی و یادداشت‌برداری مصاحبه‌های انجام‌شده در مرحله کدگذاری باز ۱۹ مفهوم اصلی استخراج شد. در مرحله بعد، ۱۹ مفهوم اصلی به دست آمده، در سه مقوله فرعی دسته‌بندی شدند. دسته اول موانع مشارکت اقتصادی زنان مربوط به نگرش به نقش زنان در فضای کسب‌وکار بود که به نگرش منفی و سنتی نسبت به اشتغال زنان و محدودکردن آن‌ها به وظایف خانه‌داری و بچه‌داری اشاره داشت. این یافته‌ها با نتایج حدادمقدم (۲۰۲۲)، صادقی عمروآبادی و بوداقتی (۱۴۰۰)، رضائیان قراگوزلو و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۹)، صفری و همکاران (۱۳۹۹)، بهروزه و همکاران (۱۳۹۸)،

صفایی پور و زادولی خواجه (۱۳۹۵)، صفاکیش و فلاح محسن‌خانی (۱۳۹۵)، ایبورک و ایلوآورتی (۲۰۲۳)، کریم و همکاران (۲۰۲۳) همخوانی داشته است. به بیان دیگر، عمده تحقیقات پیشین نیز نگرش منفی و سنتی نسبت به اشتغال زنان و محدود کردن آن‌ها به وظایف خانه‌داری و بچه‌داری را به‌عنوان یکی از موانع مهم مشارکت اقتصادی زنان دانسته‌اند.

دسته دوم موانع مشارکت اقتصادی زنان، بهره‌کشی از نیروی کار زنان بوده که اشاره به نادیده گرفتن حقوق زنان در عرصه‌های اقتصادی، تبعیض و یا نبود فرصت‌های برابر جنسیتی برای اشتغال داشته است. این نتایج با مطالعات غفاری و یوسفی (۱۳۹۷)، صفایی پور و زادولی خواجه (۱۳۹۵) منطبق بوده است. در واقع، برخی از مطالعات قبلی به تبعیض و نابرابری فرصت‌های اشتغال زنان به‌عنوان مانع مشارکت اقتصادی زنان اشاره کرده‌اند.

دسته سوم موانع مشارکت اقتصادی زنان اثرات فردی، خانوادگی و فرهنگی اشتغال زنان بوده که به موانع فردی، خانوادگی اشتغال زنان از جمله عدم پرورش خودباوری و استقلال در زنان اشاره داشته است. موانع فردی، خانوادگی و فرهنگی در مطالعات طولاب‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، دلداده آرانی و داودی (۱۴۰۰)، بهروزه و همکاران (۱۳۹۸)، رومیانی و همکاران (۱۳۹۸)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)، ارشد و همکاران (۲۰۲۳) به‌عنوان موانع مشارکت اقتصادی زنان شناسایی شده است.

۶. نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج این تحقیق، مدل پارادایمی موانع مشارکت اقتصادی زنان ارائه شد. در این مدل شرایط علی موانع مشارکت اقتصادی زنان شامل پایین بودن میزان اشتغال زنان در حوزه‌های مدیریتی، نادیده گرفتن حقوق زنان در عرصه‌های اقتصادی، نگرش‌های جنسیتی در اشتغال، محدود کردن زنان به خانه‌داری و نادیده گرفتن توانایی‌های زنان بوده است. این علل، پیامدهایی از قبیل نگرش منفی نسبت به اشتغال زنان، پایین بودن میزان مشارکت اقتصادی، نوگرایی در تربیت فرزند و تضاد نقش اجتماعی با خانوادگی را به دنبال داشته است. از شرایط زمینه‌ای که در بروز این پیامدها نقش داشته‌اند، فرهنگ نادرست درباره اشتغال زنان، نگرش سنتی و تقلیل‌گرا به زنان و نبود فرصت‌های برابر جنسیتی برای اشتغال بوده است. درنهایت راهبردهایی از جمله تغییرات نگرشی ناشی از حضور زنان در جامعه و پرورش خودباوری و استقلال در زنان در این مدل ارائه شده است.

۷. پیشنهادها

بر اساس نتایج تحقیق راهکارهای زیر به منظور افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان به خصوص در استان یزد ارائه می شود:

با توجه به اینکه نگرش منفی و سنتی نسبت به اشتغال زنان یکی از موانع مهم مشارکت اقتصادی زنان شناسایی شده است، بر این اساس، به منظور رفع این مانع، پیشنهاد می شود از زندگی زنان شاغل موفق در عرصه کار و زندگی خانوادگی مستندهایی تهیه و پخش شود. افزون بر این، به منظور ایجاد تعادل بین اشتغال و زندگی خانوادگی زنان شاغل، پیشنهاد می شود با تصویب قوانین مربوط، امکان اشتغال پاره وقت و دورکاری برای زنان شاغل فراهم شود.

همچنین با توجه به اینکه یکی دیگر از موانع مشارکت اقتصادی زنان، بهره کشی از نیروی کار زنان بوده است و با توجه به پایین بودن میزان اشتغال زنان در حوزه های مدیریتی و اداری لازم است در جامعه فرصت های شغلی برابر در به کارگیری آنان در حوزه های مذکور از لحاظ جنسیتی فراهم شود. افزون بر این، پیشنهاد می شود قانون گذاران تبعیض های جنسیتی در حقوق و مزایا را تا حد امکان از طریق اصلاح قوانین برطرف کنند.

از آنجا که موانع فردی، خانوادگی و فرهنگی از دیگر موانع مشارکت اقتصادی زنان بوده است، پیشنهاد می شود برنامه های توانمندسازی زنان در جهت افزایش خودباوری و استقلال در مجامع مختلف از قبیل فرهنگسراها، مساجد و غیره برگزار شود.

۸. تعارض منافع

در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Abdullahi, A., Saadati, M., & Bagheri, A. (2016). Investigating factors influencing women's tendency towards economic activities. *Population*, 23(97), 1-13. (In Persian)
- Ansarinasab, M., & Bidmal, N. (2023). Women's economic participation and fertility rate in Iran's provinces: application of robust regression in analysis of variance heterogeneity. *Journal of Population Association of Iran*,

- 17(34), 145-178. <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1988638.1266> (In Persian)
- Arshad, M. K., Rana, S. L., Fatima, H., Arif, U., & Hafeez, A. (2023). Women's economic participation and its impact on the economy of Pakistan. *Resmilitaris*, 13(2), 4932-4940.
- Asadzadeh, A., Mirani, N., Ghazi Khani, F., Esmail Darjani, N., & Honardoust, A. (2017). Investigating the role of employment and education of women on economic growth in Iran: Gravitational search algorithm and Firefly algorithm approach. *Women in Development and Politics*, 15(3), 359-381. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2017.225995.1007138> (In Persian)
- Azizi, F., & Moradi, F. (2022). An analysis of barriers to woman's economic participation in Iran. *The International Journal of Humanities*, 29(3), 79-107.
- Bazrafshan, M., Hasanzade, I., & Esmaeli, A. (2022). Economic, social and cultural barriers to rural women's jobs and new approaches to rural development Case study of East Golestan province (villages of Gonbad, Minoodasht and Kalaleh counties). *Political Sociology of Iran*, 4(4), 1067-1088. <https://doi.org/10.30510/psi.2022.341246.3469> (In Persian)
- Behroozeh, S., Haji, L., & Aghaabbasi, N. (2020). Analysis of factors influencing rural women participation in agricultural activities (Case study: Jiroft Township). *Co-Operation and Agriculture*, 8(32), 1-26. (In Persian)
- Deldadeh Arani, F., & Davoodi, S. M. R. (2021). Identify the challenges facing women working in industry; Case study of women working in Aran and Bidgol industrial towns. *Human Resources Excellence*, 2(2), 41-65. (In Persian)
- Ezghayer, N., & Varahrami, V. (2022). Investigating the factors affecting women's participation in labor market: a case study of Syria. *Journal of Economics and Modeling*, 13(49), 153-178. <https://doi.org/10.29252/jem.2022.225471.1708> (In Persian)
- Faraji Sabokbar, H., Tahmasi, B., & Salimi, F. (2021). Analyzing the challenges of women's participation in rural areas management (Case study: Lavasan Kouchak rural district, Shemiranat County). *Journal of Geographical Studies of Mountainous Areas*, 2(2), 51-69. <https://doi.org/10.52547/gsma.2.2.51> (In Persian)

- Fotros, M. H., Najmi, M., & Memarzadeh, A. (2017). An analysis of the relationship between women's employment and fertility rate in Iran. *Woman in Development & Politics*, 15(3), 311-325. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2017.230655.1007176> (In Persian)
- Ghafari, Gh., Momeni, F., & Yousefi, N. (2019). The effect of capitals on female labor force participation: A comparative study on European union and Middle East Countries. *Social Welfare Quarterly*, 19(72), 9-54. <https://doi.org/10.29252/refahj.19.72.9> (In Persian)
- Ghafari, Gh., & Yousefi, N. (2018). Unequal opportunity and female labour force participation. *Iranian Journal of Sociology*, 19(2), 67-98. (In Persian)
- Ghasemi, F. (2019). Investigating women's participation and employment approaches on reliance on indigenous economies in rural communities of Iran. *Geography and Human Relationships*, 1(4), 541-562. (In Persian)
- Hadadmoghadam, M. (2022). Investigating factors affecting women labor force participation in Iran's labor market; emphasizing age and migration variables. *Journal of Iranian Economic Issues*, 9(1), 97-121. <https://doi.org/10.30465/ce.2022.39824.1745> (In Persian)
- Hadipour, M., Faraji Sabokbar, H. A., Davarkhani, F., & Romyani, A. (2020). Presenting a model for assessing the spatial distribution of women's activity (employment and unemployment) in Iranian counties using knowledge-based systems. *Space Economy & Rural Development*, 9(2), 149-172. (In Persian)
- Hemmat, S., Ghasemi, V., Renani, M., Yazdkhasti, B., Khajenoori, B. (2021). Alternative entrepreneurship: a semantic understanding of the experience of entrepreneur women regarding economic participation in shiraz. *Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan*, 10(2), 23-54. <https://doi.org/10.22108/SRSPI.2021.127224.1675> (In Persian)
- Ibourk, A., & Elouaourti, Z. (2023). Revitalizing women's labor force participation in north africa: an exploration of novel empowerment pathways. *International Economic Journal*, 1-23. <https://doi.org/10.1080/10168737.2023.2227161>
- Karim, S., Kwong, C., Shrivastava, M., & Tamvada, J. P. (2023). My mother-in-law does not like it: resources, social norms, and entrepreneurial

- intentions of women in an emerging economy. *Small Business Economics*, 60(2), 409-431. <https://doi.org/10.1007/s11187-021-00594-2>
- Karimi Moughari, Z., Nazifi Nainie, M., & Abbaspour, S. (2013). Evaluating the economic factors affecting employment of women in Iran using artificial neural network approach. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 11(3), 53-80. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2014.1446> (In Persian)
- Khanekeshi, M. & Elmi, Z. M (2023). Economic and demographic factors affecting the economic participation of rural women in the provinces of Iran with emphasis on the age- participation curve. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 14(53), 21-42. <https://doi.org/10.30495/jzv.2023.30513.3854> (In Persian)
- Komae, R., & Afshari, Z. (2017). The determinants of female labor force participation in selected countries (A panel data analysis). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(1), 49-77. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2017.13279.1366> (In Persian)
- Moshiri, S., Tae, H., & Pashazadeh, H. (2015). Labor force participation in Iran the role of education and gender. *Quarterly Journal of Economic Research*, 15(2), 49-72. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-11700-fa.html> (In Persian)
- Mozayani, A. H., Sahabi, B., & Mamaleki, M. (2019). Study of cyberspace development impact on women participation in Iran's economy (A case on women's employment and fertility rate). *Quarterly Journal of Woman and Society*, 10(37), 301-330. (In Persian)
- Ofori, P. E., Asongu, S. A., Tchamy, V. S., & Salahodjaev, R. (2023, January). The synergy between governance and trade openness in promoting female economic inclusion in Sub-Saharan Africa. In *Women's Studies International Forum* (Vol. 96, p. 102672). Pergamon. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4314900>
- Parhoodeh, F., Erfani, N., & Parhoodeh, F. (2022). A reflection on the qualitative research approach with emphasis on validity and reliability. *Pouyesh in Humanities Education*, 8(28), 19-44. https://humanities.cfu.ac.ir/article_2351.html?lang=fa (In Persian)

- Rezaiean Gharagozlou, A., & Rostamalizadeh, V. (2020). Factors deterrent women's economic participation by families in the local community (Case study of women in Behdeh, Parsian city), *Journal of Woman & Society*, 11(1), 53-78. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1399.11.41.3.7> (In Persian)
- Roumiani, A., Ghasemai Rad, B., & Cherazi, E. (2020). Investigating the role of women's employment in the economy of rural households case study: Bajgiran section of Quchan city. *Geographic Thought*, 11(22), 114-136. https://geonot.znu.ac.ir/article_38154.html?lang=en (In Persian)
- Saadi, H., Yaghoubi Farani, A., Zoleikhaei Sayyar, L., & Ghahremani, F. (2017). Analyzing the barriers and limitations of rural women employment (Case study: Tuyserkhan County). *Journal of Research and Rural Planning*, 6(1), 35-48. <https://doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.47639> (In Persian)
- Sadeghi Amroabadi, B., & Boudaghi, A. (2021). Identifying and ranking factors affecting women's economic participation in Khuzestan province with an emphasis on interpretive structural modeling. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 10(1), 1-24. <https://doi.org/10.22034/jeds.2021.40691.1430> (In Persian)
- Safakish, M., & Fallah Mohsenkhani, Z. (2016). A study of the reasons of lack of women's participation in the labor market of Iran. *Iranian Journal of Official Statistics Studies*, 27(1), 103-119. <http://ijoss.srtc.ac.ir/article-1-186-fa.html> (In Persian)
- Safari, H., Danesh, P., Fakhraei, S. (2020). Sociological analysis of gender gap in economic participation (Case study: urban women of East Azarbaijan Province). *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 9(1), 141-159. (In Persian)
- Safayee Pour, M., & Zadvali Khaje, Sh. (2016). Barriers of women economic participation in Iran (Case study: Tabriz Metropolitan). *Journal of Economic Sociology and Development*, 5(1), 63-85. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2023). *Statistical Yearbook of the Country 2021*. Presidency, budget and program of Iran Statistical Center. Tehran, 873 pages.
- Toulabinejad, M., Sepahvand, A., & Sohrabi, M. (2023). Quality analysis of rural women's participation challenges in agricultural entrepreneurship

activities. *Women's Strategic Studies*, 25(97), 19-224.

<https://doi.org/10.22095/jwss.2023.375919.3131> (In Persian)

Zafaranchi, L. S. (2021). Study the pattern of women's economic participation in the labor market by focusing on individual characteristics and household specification. *Women Studies*, 12(36), 107-131.

<https://doi.org/10.30465/ws.2021.5775> (In Persian)